



ویژه‌نامه برنامه‌ریزی درسی دانشگاه

سخن سردبیر؛

برنامه درسی مأموریت‌گرا

دکتر رضا پیش‌قدم؛ معاون آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد



بی‌تردید یکی از مهم‌ترین ارکان هر نظام آموزشی برنامه‌درسی می‌باشد. برنامه‌درسی به‌مثابه نقشه راهی است که بر اساس آن معلم و شاگرد مسیر آموزش و یادگیری را طی می‌کنند. نقشه‌ای که بدین منظور ترسیم می‌شود، به‌طور معمول براساس اسناد بالادستی انجام می‌گیرد. چنانچه اسناد بالادستی به‌دقت هدف از تحصیل در مقاطع مختلف را مشخص کرده باشند، ترسیم این نقشه راحت‌تر و دقیق‌تر است. از این‌رو، برنامه‌درسی باید پاسخگوی نیازهای جامعه و همسو با نسل‌های جدید دانشگاهی تدوین شده باشد. از یک برنامه‌درسی انتظار می‌رود «مأموریت‌گرا» باشد و هوشمندانه و دقیق ذی‌نفعان آموزشی را به‌سرمنزل مقصود رهنمون سازد. به‌عنوان نمونه، اگر مأموریت برنامه‌درسی در دوره کارشناسی افزایش توان اشتغال‌پذیری باشد، انتظار می‌رود خروجی این مقطع و برنامه‌ریزی مربوط به آن دانشجویی باشد که توانمندی‌های لازم برای ورود به بازار کار را کسب کرده است. اگر چنین امری صورت پذیرد، یعنی برنامه‌درسی مأموریت خود را به‌خوبی انجام داده است. باید خاطرنشان ساخت که یک برنامه‌درسی هنگامی به هدف خود دست می‌یابد که مدیران، معلمان، شاگردان و حتی جامعه خود را همسو و همدل با آن برنامه نموده و در راستای تحقق اهداف آن همگی همت گمارند. عطف به این مهم، مأموریت برنامه‌های درسی در «الگوی مفهومی آموزش دانشگاه فردوسی مشهد» مشخص شده و انتظار می‌رود با پیروی از این الگو برنامه‌های بازنگری و تدوین شده بتوانند دانشجویان را در مقطع کارشناسی به سمت اشتغال‌پذیری، در کارشناسی ارشد پژوهش و در دکتری ایجاد قابلیت مرجعیت علمی-اجتماعی هدایت کنند.

اهم مطالب ویژه‌نامه

صفحه ۲	برنامه‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه در سال‌های ۹۷ و ۹۸
صفحه ۳	بررسی نشست‌ها و برنامه‌های شورای برنامه‌ریزی درسی
صفحه ۳	نشست هم‌اندیشی مجریان بازنگری برنامه‌های درسی
صفحه ۴	ارائه الگوی مفهومی بازنگری برنامه درسی مبتنی بر الگوی مفهومی آموزش
صفحه ۴	نشست گروه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانشگاه با ضابطه‌گذاران بازار کار؛
صفحه ۶	برنامه درسی دانشگاه در یک نگاه؛
صفحه ۷	دانشگاه نسل سوم و برنامه درسی وارونه؛ (دکتر محمود مهرمحمدی)
صفحه ۹	برنامه درسی دانشگاهی پاسخگو و تقاضامحور؛ (دکتر مرتضی گرمی)

از ابتدای سال ۱۳۹۷ تا آذر ماه ۱۳۹۸ بیش از ۶۶ نشست شورای برنامه‌ریزی درسی برگزار شد. در این نشست‌ها ۴۰ برنامه درسی بازنگری شده توسط گروه‌های آموزشی دانشگاه به شرح جدول ذیل به تصویب رسید. همچنین در این نشست‌ها گزارش توجیهی و تفصیلی گروه‌های آموزشی جهت اجرای برنامه مصوب وزارت عتف، شبکه مسائل برنامه درسی، الگوی مفهومی برنامه درسی دانشگاه، فرایند کددهی دروس، نحوه عملیاتی سازی الگوی مفهومی آموزش و شیوه‌نامه اجرایی افزایش توان اشتغال‌پذیری دانشجویان بررسی گردید.

جدول ۱- برنامه‌های مصوب شورای برنامه‌ریزی درسی دانشگاه در سال‌های ۹۷ و ۹۸

ردیف	عنوان رشته	مقطع تحصیلی	ردیف	عنوان رشته	مقطع تحصیلی
۱	ادبیات حماسی	دکتری	۲۱	علوم سیاسی	کارشناسی ارشد
۲	تاریخ گرایش تاریخ ایران اسلامی	کارشناسی ارشد	۲۲	فیزیولوژی	دکتری
۳	علوم و مهندسی صنایع غذایی گرایش مهندسی مواد غذایی	کارشناسی ارشد	۲۳	مهندسی صنایع گرایش سیستم‌های کلان	کارشناسی ارشد
۴	تحقیقات آموزشی	کارشناسی ارشد	۲۴	مترجمی زبان انگلیسی	کارشناسی ارشد
۵	مدیریت صنعتی گرایش تولید و عملیات	کارشناسی ارشد	۲۵	زبان و ادبیات انگلیسی	کارشناسی ارشد
۶	مهندسی شیمی گرایش طراحی فرایندها	کارشناسی ارشد	۲۶	تاریخ تشیع	کارشناسی ارشد
۷	مدیریت کسب و کار گرایش بازاریابی	کارشناسی ارشد	۲۷	الهیات و معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن ملل اسلامی	دکتری
۸	زیست‌شناسی سلولی و ملکولی	کارشناسی ارشد	۲۸	مهندسی شیمی گرایش مدل سازی، شبیه سازی و کنترل	کارشناسی ارشد
۹	مدیریت صنعتی - تحقیق در عملیات	دکتری تخصصی	۲۹	ریاضیات و کاربردها	کارشناسی
۱۰	آمار	کارشناسی	۳۰	انگل شناسی دامپزشکی	کارشناسی ارشد و دکتری
۱۱	شیلات	کارشناسی	۳۱	زبان و ادبیات انگلیسی	کارشناسی
۱۲	زیست‌شناسی سلولی و ملکولی	دکتری	۳۲	زیست‌شناسی سلولی و مولکولی	کارشناسی
۱۳	مطالعات صلح	کارشناسی ارشد	۳۳	زیست‌شناسی جانوری، فیزیولوژی بیوسیستماتیک جانوری، فیزیولوژی جانوری و زیست‌شناسی سلولی و تکوینی	کارشناسی ارشد
۱۴	مهندسی شیمی گرایش نانو فناوری	کارشناسی ارشد	۳۴	زیست‌شناسی جانوری	دکتری
۱۵	مهندسی شیمی گرایش فرآوری و انتقال گاز	کارشناسی ارشد	۳۵	حقوق جزا و جرم‌شناسی	کارشناسی ارشد
۱۶	برنامه‌ریزی درسی	کارشناسی ارشد	۳۶	گوهرشناسی کاربردی و کانی‌شناسی صنعتی	کارشناسی ارشد
۱۷	زیست‌شناسی جانوری	کارشناسی	۳۷	مهندسی صنایع	کارشناسی
۱۸	فلسفه تعلیم و تربیت	دکتری	۳۸	مهندسی معماری	کارشناسی ارشد
۱۹	مدیریت فناوری اطلاعات	دکتری	۳۹	علم اطلاعات و دانش‌شناسی گرایش بازیابی اطلاعات	دکتری
۲۰	مهندسی مواد و متالورژی	دکتری	۴۰	زبان ادبیات فرانسه	کارشناسی ارشد

سلسله نشست های بررسی شبکه مسائل برنامه درسی

نشست هم اندیشی مجریان بازنگری برنامه های درسی

جلسه هم اندیشی مجریان بازنگری برنامه های درسی به منظور تبادل تجربیات مجریان بازنگری برنامه درسی دانشگاه در روز یکشنبه مورخ ۲۶/۰۳/۹۸ برگزار شد. در این جلسه جناب آقای دکتر پیش قدم معاون محترم آموزشی دانشگاه در خصوص لزوم بازنگری برنامه های درسی در راستای عملیاتی سازی الگوی مفهومی آموزش و تسریع در روند بازنگری و جناب آقای دکتر کرمی رئیس گروه برنامه ریزی آموزشی و درسی دانشگاه در خصوص فرآیند بازنگری، نحوه انجام مطالعات پشتیبان و تدوین سند برنامه درسی توضیحات مبسوطی ارائه کردند. در ادامه برخی از مجریان تجربیات خود را در زمینه بازنگری برنامه درسی ارائه دادند. در پایان به سؤالات و ابهامات اعضاء پاسخ داده شد.





نشست گروه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانشگاه با ضابطه گذاران بازار کار؛

در راستای اجرایی نمودن آیین‌نامه افزایش توان اشتغال پذیری دانشجویان و همچنین برنامه‌ریزی جهت برگزاری بهتر همایش برنامه درسی و اشتغال در اسفندماه سال جاری، نشست با ضابطه گذاران بازار کار و بخش آموزش مهارتی استان در روز چهارشنبه ۲۲/۰۸/۹۸ در محل سالن شورای سازمان مرکزی برگزار شد. در این نشست که با حضور آقای دکتر یزدان بخش (رئیس کانون کارفرمایان استان و رئیس هیات مدیره شرکت پارت لاستیک)، آقای دکتر تشکری (رئیس دانشگاه جامع علمی کاربردی استان خراسان رضوی)، آقای دکتر رشیدی (سرپرست مرکز آموزش اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی)، آقای مهندس بناژاد (رئیس اتاق اصناف مشهد)، آقای دکتر روحانی (معاون آموزشی مرکز تحقیقات و آموزش کشاورزی استان خراسان رضوی)، آقای مهندس ایرانمنش (نماینده سازمان نظام مهندسی)، آقای دکتر جلیلی (رئیس اداره آموزشگاه‌های آزاد و مشارکت مردمی اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان خراسان رضوی)، آقای دکتر سعید صفایی موحد (عضو هیات مدیره انجمن مطالعات برنامه درسی ایران) و آقای دکتر تراب (معاون دانشگاه علمی کاربردی استان) برگزار شد هر یک از حضار از زاویه مسئولیت اجرایی خود در اهمیت و چگونگی برقراری ارتباط بین بازار کار و دانشگاه ارائه سخن نمودند و مقرر شد به منظور نقش آفرینی بهتر ضابطه گذاران بازار کار در بحث اشتغال پذیری دانشجویان، این جلسات ادامه داشته تا بتوان ساختار و فرایند مشخصی را برای این موضوع مهم طراحی نمود.

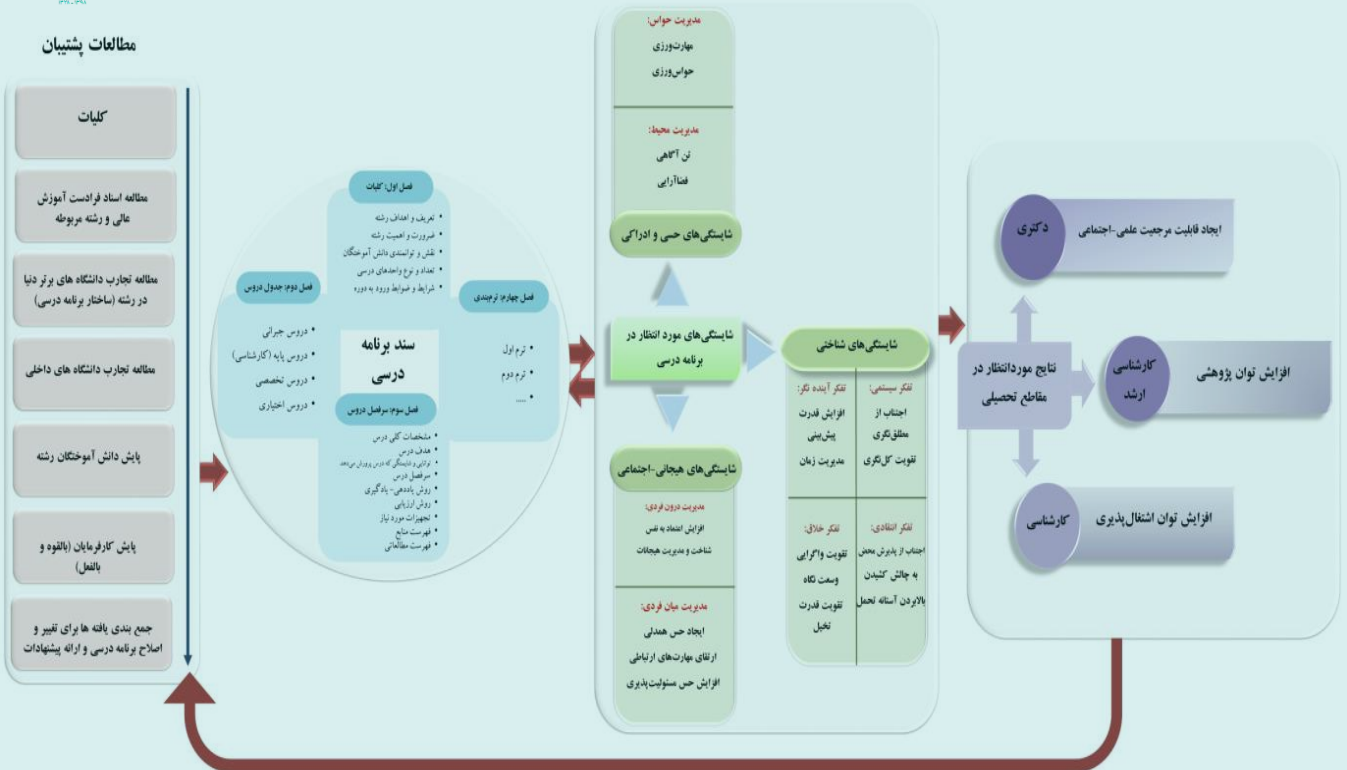


ارائه الگوی مفهومی بازنگری برنامه درسی مبتنی بر الگوی مفهومی آموزش

الگوی مفهومی برنامه درسی مبتنی بر مدل مفهومی آموزش دانشگاه فردوسی مشهد براساس روش طراحی آموزشی و برنامه درسی Backward design

تدوین گردید؛ بنابراین لازم است بازنگری برنامه‌های درسی براساس مدل مذکور انجام گیرد.

شکل ۱- الگوی مفهومی برنامه درسی دانشگاه فردوسی مشهد

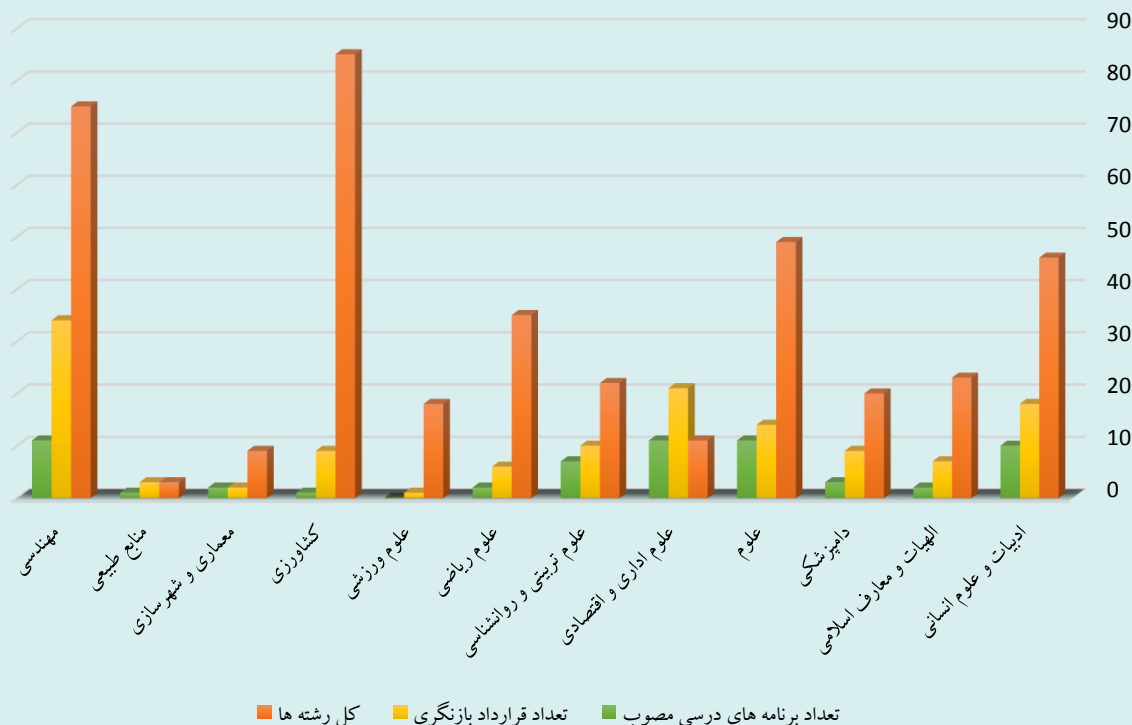


Backward design از جمله روش‌ها و مدل‌های طراحی آموزشی است که در آن طراح یا برنامه‌ریز درسی روی نتایج نهایی مطلوب یک دوره آموزشی تمرکز می‌کند؛ بنابراین در این روش ابتدا نتایج مورد انتظار دوره آموزشی شناسایی و سپس شواهد قابل قبول برای دستیابی به نتایج عرضه و در نهایت طراحی و تدوین برنامه درسی و تجارب یادگیری صورت می‌گیرد.

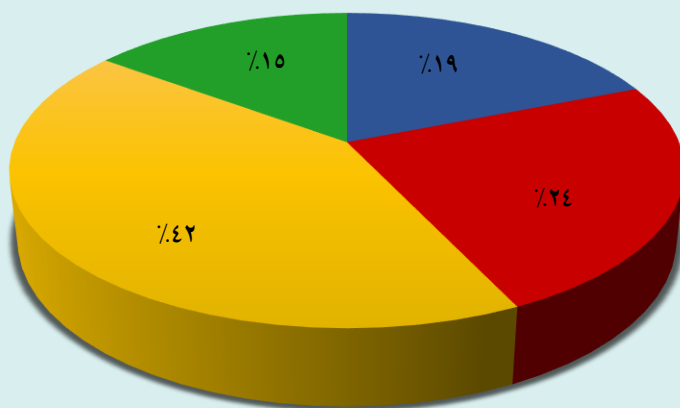
بر این اساس در الگوی مفهومی برنامه درسی نقطه عزیمت، غایت مقاطع تحصیلی سه‌گانه و کلان و خرده شایستگی‌هایی است که انتظار می‌رود موجبات تحقق غایت هر مقطع را فراهم آورد. در بازنگری / تدوین برنامه‌های درسی، بایستی غایت مقطع تحصیلی را مدنظر قرار داده و با توجه به مطالعات پشتیبان انجام‌شده، برنامه درسی را در این راستا هدایت نمود. از سوی دیگر تحقق غایت مقاطع تحصیلی در گرو پرورش شایستگی‌های سه‌گانه‌ای است که در مدل مفهومی آموزش عرضه شده است. بنابراین پرورش این شایستگی‌ها به‌عنوان اهداف واسطی برنامه درسی باید مدنظر قرار گیرد. سند برنامه درسی که عامل تحقق اهداف واسطی و غایی آموزش عالی است صرفاً مبتنی بر نتایج مطالعات پشتیبان بازنگری و تدوین می‌گردد. بنابراین در این مدل مفهومی حرکت رو به عقب از نتایج مورد انتظار مقاطع سه‌گانه به شایستگی‌های مورد انتظار و انجام مطالعات پشتیبان در این راستا و بازنگری و تدوین برنامه درسی است. مطالعات پشتیبان شامل تحلیل اسناد فرادست، بررسی تجارب دانشگاه‌های داخلی و خارجی، پایش دانش‌آموختگان و کارفرمایان می‌باشد. بر اساس مطالعات پشتیبان انجام‌شده، تغییرات برنامه درسی مشخص خواهد شد. سند برنامه درسی مشتمل بر چهار فصل کلیات، جدول دروس، مشخصات دروس و ترم بندی است. لازم به توضیح است که تنها مبنا برای ارزیابی برنامه درسی بازنگری شده مطالعات پشتیبان خواهد بود بنابراین وجود پیوند وثیق بین تغییرات برنامه درسی و مطالعات پشتیبان ضروری است.



شکل ۳- وضعیت قراردادهای بازنگری به تفکیک دانشکده



شکل ۴- وضعیت برنامه های درسی



رشته های در حال اجرای برنامه مصوب دانشگاه
رشته های در حال اجرای برنامه مصوب وزارت
رشته های در حال بازنگری
رشته های در حال اجرای برنامه درسی منسوخ



دانشگاه نسل سوم و برنامه درسی وارونه؛

دکتر محمود مهر محمدی

این بحث برای نخستین بار در یک سخنرانی در پنجمین همایش پیشرفت و توسعه علمی کشور با عنوان «راهکارهای رسیدن به دانشگاه نسل سوم» که توسط شورای انجمن‌های علمی کشور در تاریخ اول آذرماه ۱۳۹۶ در دانشگاه تربیت مدرس برگزار شد ارائه گردید. عنوان بحث را «ساختار شکنی برنامه درسی در دانشگاه‌های نسل سوم» انتخاب کرده بودم. پرسش اصلی این است که آموزش در رشته‌های مختلف چگونه باید احیاء شود تا در خدمت اشتغال و کارآفرینی قرار گیرد؟ اینکه آیا مدل‌های مرسوم (مانند اینترن‌شیپ، ارتباط با صنعت و...) پاسخگو هستند یا نیاز به تحولی در ساختار برنامه آموزشی (درسی) داریم؟

به نظر من با تغییر در ساختار برنامه‌های آموزشی است که ذهنیت (mindset) دانشجو و دانش‌آموخته تغییر می‌کند؛ باید فهم او از هدف تحصیل و اخذ مدرک به‌عنوان مزیت در یافتن شغل آن هم از نوع دولتی، به تحصیل به‌عنوان مزیت در حل خلاق مسائل حوزه تخصصی تغییر یابد که به تبع آن درآمد در فرآیند خلق ثروت نیز حاصل می‌شود. این تغییر در ذهنیت، بدون تغییر در ساختار و منطق (rationale) آموزش دانشگاهی و به‌ویژه برنامه‌های درسی اتفاق نمی‌افتد. به دیگر سخن اقدامات اصلاحی از نوع «برشی/ جزیی» که با تکنیک «وصله کردن» برشی یا جزیی به پیکره موجود برنامه‌های آموزشی (درسی) فعلی اتفاق افتد، چاره‌ساز نبوده و نیست (حتی افزودن درس کارآفرینی، درس اقتصاد، وارد کردن سازوکار بخش ارتباط با صنعت)؛ چون از این جنس است؛ چنان‌که شواهد نشان می‌دهد کارساز نبوده و مسئله‌بیکاری دانش‌آموختگان کماکان و به سختی گریبان اقتصاد کشور را می‌فشارد. با تغییرات ساختاری، تغییر در نرُم یا فرهنگ دانشگاهی هدف‌گیری می‌شود. یعنی بستر و بافتی که دانش‌آموخته دانشگاه با درک آن یا تنفس در آن به پشتوانه «تجربه زیسته» و نه «توصیه» در دانشگاه می‌آموزد که کارکرد و نقش مورد انتظار از او مسئله‌شناسی، حل مسئله یا آنچه من برخورداری از «خرد تکنولوژیک» نامیده‌ام، است. نیل به چنین دستاوردی این نیازمند «وارونه ساختن» ساختار برنامه‌های درسی کنونی است تا ارتباط «ارگانیک»، «پیوسته» و «گسترده» با محیط عمل و نیازهای واقعی شکل بگیرد و رابطه دیالکتیک میان دانش نظری و محیط کار/ عمل فهم شود. وارونه‌سازی یعنی برنامه درسی را بر پایه کسب تجربه میدانی (کلینیکال) بنا کردن، نه بر اساس انتقال دانش نظری و سازمان‌یافته در رشته. با این امید و انتظار که دانش نظری در حل مسئله یا کیس‌های واقعی بکار آید (just in case) و کفایت حرفه‌ای به دانش‌آموخته ببخشد. کسب تجربه میدانی یا کلینیکی و بارورسازی ذهن با ظرفیت مسئله‌شناسی و اهتمام به حل خلاق و کارآمد مسئله در واقع همان خرد تکنولوژیک است که به دانش نظری بی‌جان دانشگاهی، جان و جهت می‌بخشد و انگیزه حل مسئله واقعی، کسب این دانش را معنادار و نافع جلوه می‌دهد. در ساختار کنونی برنامه درسی دانش نظری بی‌جان و بی‌معنا باقی می‌ماند. پس، عاملیت عاملان تغییر در آموزش عالی باید آگاهانه ساختارها را هدف بگیرد تا به تدریج هدف تغییر فرهنگ علم آموزی کنشگرانه یا حرفه‌گرایانه محقق شود. به دیگر سخن، با متحول ساختن محیط نهادی دانشگاه ذهنیت غالب ضد توسعه‌ای علم‌آموزی که با ساختار کنونی برنامه‌های درسی ملازمت دارد در ذهن دانشجو تکوین نیافته و مستقر نخواهد شد.

از باب تاریخچه این دیدگاه می‌توان به الفرد نورث وایتهد، ریاضیدان و فیلسوف شهیر تعلیم و تربیت اشاره کرد. او در نقد عملکرد تعلیم و تربیت به دلیل محور قرار دادن دانش نظری پراکنده که از آن با عنوان *inert ideas* نام می‌برد، یکی از پیشتازان تفکر در خصوص چگونگی احیا تعلیم و تربیت و برقراری پیوند آن با حیات (life) قلمداد می‌شود. "تعلیم و تربیت به معنای کسب هنر به کار بستن دانش است... این نظریه را براحتی نمی‌توان در عمل پیاده کرد، بلکه اجرای آن بسیار دشوار است. چون واجد مسئله زنده نگه داشتن دانش و جلوگیری از تبدیل آن به دانش بی‌جان و به خاصیت است که مسئله محوری تمام تلاش‌های تعلیم و تربیتی است." (وایتهد، ۱۹۲۹).

نهاد دانشگاه در اثر غفلت نسبت به این مهم و پیدا شدن نمونه‌های دانش آموختگان ناکارآمد در جامعه، روزبه‌روز با بی‌اعتمادی بیشتری مواجه می‌شود تا آنجا که ممکن است رفته‌رفته به بحران بی‌اعتمادی جامعه به دانشگاه بدل شده و موجودیت دانشگاه به عنوان یک نهاد اجتماعی خلق‌کننده ارزش افزوده با پرسش جدی مواجه شود. در چنین وضعیتی باید گفت دانشگاه تبدیل به یک نهاد «عقیم» می‌شود. البته این وضعیت اختصاص به ایران ندارد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که مدرک دانشگاهی برای بسیاری از کمپانی‌ها در دنیا به عنوان یک پیش‌نیاز در استخدام، معنا و مفهوم‌اش را از دست داده است. یعنی مدرک اگر به عنوان یک عامل منفی به حساب نیاید، عامل مثبت و امتیازآوری هم برای دارنده آن محسوب نمی‌شود.

جمع‌بندی:

وارونه‌سازی و ساختارشکنی یعنی چه؟ یعنی بهم ریختن رابطه مبتنی بر افضل شناخته شدن دانش نظری نسبت به تجربه عملی در جبران کسب تخصص و تأکید بر این معنا که دانش نظری فضل تقدم ندارد. قراردادن دانش نظری در خدمت مسائل برآمده از تجربه زیسته در محیط عمل و بدین تربیت معنابخشی به دانش انتزاعی، در خدمت یک «پروژه» (پروژه محور آموزش عالی) فضیلت محسوب می‌شود. وارونه‌سازی مدل‌های اجرایی گوناگونی دارد. چون «پروژه‌ها» جنس و اقتضائات گوناگونی دارند.

یک اقدام عملی عاجل یا اصطلاحاً میان‌بر این است که دانشجوی دکتری یا تحصیلات تکمیلی جز از طریق پروژه استاد پذیرش نشود تا از طریق پروژه حقوق دریافت کند، آزمایشگاه‌های مورد نیاز تجهیز شده و در اختیار او قرار داده شود. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد این ایده در برخی از کشورهای پیشرفته در رشته‌های مهندسی هم اکنون نیز به اجرا گذاشته شده است. هشدار مهم این که ساختارشکنی مورد نظر فقط به دست یا با اراده بخش آموزش عالی محقق نمی‌شود. پیش‌نیاز آن ایجاد نگرش مثبت نسبت به آن در میان شرکای علم و فناوری در کشور است. بنابراین اراده معطوف به این ساختار شکنی باید در بخش‌های مختلف اقتصاد شکل بگیرد. بدین سبب شاید اجرایی شدن این اتفاق به‌نحو عاجل و دفعی را نتوان انتظار داشت. بلکه طراحی حرکت تدریجی و گام به گام (incremental) لازم است.



برنامه درسی دانشگاهی پاسخگو و تقاضامحور

دکتر مرتضی کرمی

«رئیس گروه برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانشگاه»

- ایجاد رشته‌های جدید و بازنگری برنامه‌های درسی جاری از اختیاراتی است که وزارت علوم به‌عنوان یکی از مصادیق استقلال دانشگاه‌ها به دانشگاه‌های سطح یک واگذار کرده است (مصوب ۱۶/۳/۱۳۹۴ وزارت عتف). قطعاً استفاده اثربخشی از این اختیارات در عمل در گرو نیازسنجی مناسب از جامعه و بازار کار است.
- افزایش توان اشتغال‌پذیری دانشجویان به‌ویژه در دوره کارشناسی از برنامه‌های جدی وزارت عتف است که تدوین آیین‌نامه (مصوب ۲۱/۹/۹۷ وزارت عتف) در این زمینه و درخواست از دانشگاه‌ها برای تدوین شیوه‌نامه اجرایی برای آن از جمله اقدامات اصلی بوده است. در این آیین‌نامه به اجرای مؤثر دروس عملی (کارآموزی، کارورزی و پروژه) و طراحی دروس اختیاری و تدریس مشترک با خبرگان حرفه‌ای تأکید شده است.
- اجرای فعالیت‌های فوق‌برنامه درسی که برخی از آن‌ها در آیین‌نامه فوق‌الذکر مورد توجه قرار گرفته مانند استارت‌آپ‌ها و مسابقات عملی و برخی دیگر مانند کار تابستانی و انواع دیگر کارآموزی را می‌توان بر آن افزود.

برای حل این معضل نخست بایستی رویکرد و جهت‌گیری کلان در خصوص ارتباط دانشگاه با جامعه تغییر کند. نگاه تک‌بعدی مبتنی بر ارائه خدمات پژوهشی و فناورانه باید به **پاسخگویی اجتماعی جامع** تغییر یابد. چه‌بسا با این تغییر رویکرد همان ارائه خدمات پژوهشی و تخصصی نیز به شکل هدفمندتر و مؤثرتری اجرا شود. برای اجرای این مدل سه‌گام اساسی مورد نیاز است: شناسایی متولیان بازار کار، پیش‌بینی ساختار مناسب در سطح ستاد و راه‌اندازی واحدهای ارتباط با کار در دانشکده‌ها.

شناسایی متولیان بازار کار: در یک نگاه ساده کارفرمایان به عبارتی صاحبان صنایع و بخش خدمات متولیان این بخش هستند. در عین حالی که این بخش دارای اهمیت ویژه است اما بخش مهم دیگری که معمولاً نادیده گرفته می‌شود ضابطه‌گذاران بازار کار از قبیل نظام مهندسی، اتاق بازرگانی، اتاق اصناف و بخش‌های تخصصی‌تر از قبیل کانون وکلا، نظام روان‌شناسی و نظایر آن است. کارآفرینان و بخش‌های حامی آن مانند پارک‌های علم و فناوری نیز بخش مهمی است که می‌تواند در این زمینه مورد توجه قرار گیرد.

دانشگاه سه مسئولیت آموزش، پژوهش و ارائه خدمات تخصصی بر جامعه را عهده‌دار است که به‌طور سنتی صرفاً ارتباط با جامعه در خصوص کارکرد سوم و بعضاً کارکرد دوم طرح‌ریزی شده است. این در حالی است که اساس پاسخگویی اجتماعی دانشگاه را بایستی در پرورش نیروی انسانی متخصص مورد نیاز بخش‌های مختلف جامعه دانست که حاصل کارکرد نخست است. چه‌بسا اگر دانشگاه‌ها بتوانند مبتنی بر همین کارکرد، دانش‌آموختگان توانمندی را به بازار کار روانه کنند؛ سازمان‌ها با جذب آن‌ها بسیار بهتر از زمانی که برای حل مشکلات خود به دانشگاه مراجعه می‌کنند، بتوانند مشکلات و مسائل خود را حل کنند و دانشگاه نیز بتواند خدمات پژوهشی و فناورانه سطح بالاتری را ارائه نماید.

آنچه امروز به‌عنوان مسئله، تحت عنوان بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی و یا نابسندگی کیفی آن‌ها برای احراز مشاغل خودنمایی می‌کند را در وهله نخست بایستی در نبود رابطه منسجم دانشگاه‌ها با جامعه به‌ویژه ضابطه‌گذاران بازار کار در امور مربوط به آموزش جست. این عدم ارتباط مناسب موجب شده در مقام برنامه‌ریزی و تدوین رشته-گرایش‌ها، جامعه هدف، مشارکتی مؤثر نداشته باشد. در بازنگری برنامه‌های درسی پایش کارفرمایان از الزامات مورد انتظاری است که معمولاً گروه‌های آموزشی با چالش جدی در انجام آن مواجه‌اند. این مسائل موجب شده جنبه تقاضامحوری برنامه‌های درسی به‌شدت کاهش یابد. در اجرای برنامه‌های درسی نیز به‌ویژه در دروس عملی مانند کارآموزی، کارورزی، پروژه، کارگاه و آزمایشگاه، پایان‌نامه و رساله- که دروس اساسی جهت پیوند نظر و عمل و مهارت‌آموزی دانشجویان می‌باشند به علت عدم ارتباط نظامند با بازار کار و کارفرمایان معمولاً با کیفیت نامناسب اجرا می‌شود و پاسخگویی برنامه‌های درسی خدشه‌دار شده است. با نگاهی انتقادی این‌گونه به نظر می‌رسد که اکثر دانشگاه‌ها برای خود رشته ایجاد، دانشجو پذیرش، تربیت و فارغ‌التحصیل می‌کنند. در وضعیت موجود سه نیاز آشکار برای چنین ارتباطی وجود دارد:

پیش‌بینی ساختار مناسب در ستاد: در وضعیت موجود ارتباط دانشگاه با جامعه در معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه‌ها پیش‌بینی شده است که البته در برخی دانشگاه‌ها از جمله فردوسی مشهد به واحد انتقال فناوری تغییر نام یافته است. این تغییر نام قطعاً با رسالت این واحدها قرابت بیشتری دارد اما رسالت‌هایی که در این نوشتار از آن یاد شد را نمی‌توان از آن انتظار داشت. لذا دو راهکار در اینجا می‌توان به کار بست:

- پیش‌بینی واحدی در حوزه معاونت آموزشی با عنوان ارتباط با متولیان و ضابطه گذاران بازار کار به منظور پوشش دادن رسالت‌های فوق‌الذکر
 - پیش‌بینی واحد در عرض معاونت آموزشی و پژوهشی و زیرمجموعه مستقیم با رئیس دانشگاه با عنوان ارتباط با جامعه جهت پوشش دادن این کارکرد به‌عنوان رسالت اصلی. از آنجاکه معاونت آموزشی و پژوهشی برای خود بیشتر رسالت‌های درون‌سازمانی قائل‌اند لذا ارتباط با جامعه برای آن‌ها رسالت ثانویه محسوب می‌شود و این واحد می‌تواند این نارسایی را پوشش دهد.
- واحدهای ارتباط با کار در دانشکده‌ها:** قطعاً خط مقدم ارائه خدمات تخصصی دانشکده‌ها، گروه‌های آموزشی و اعضا هیئت‌علمی است. تنوع رشته‌های دانشگاهی و تخصص‌ها موجب می‌شود که ستاد نتواند در جزئیات ورود پیدا کند. به‌عنوان مثال در دانشکده‌های علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه‌های کشور معمولاً سه گروه علوم تربیتی، روانشناسی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی دایر است که هرکدام دیسپلین علمی خاص خود را دارند و در هر یک رشته‌ها و گرایش‌هایی وجود دارد که ما به ازاء آن، بخش‌های متفاوتی از جامعه به‌عنوان کارفرما می‌تواند شناسایی شود. به‌عنوان مثال در علوم تربیتی آموزش و پرورش (برای اغلب رشته‌ها)، بهزیستی (برای رشته آموزش کودکان استثنایی)، مراکز پیش‌دبستانی (آموزش پیش‌دبستانی و ابتدایی)، واحدهای آموزش و توسعه منابع انسانی سازمان‌های دولتی و خدماتی (برای رشته‌های آموزش و توسعه منابع انسانی، مدیریت آموزشی و برنامه‌ریزی درسی) کارفرمایانی هستند که می‌تواند از خدمات دانشگاه بهره‌مند شوند.
- وجود واحد ارتباط با کار در دانشکده می‌تواند این ارتباطات را به‌منظور برنامه‌ریزی و اجرای مطلوب برنامه‌های درسی و آموزشی و شناسایی نیازهای پژوهشی و اجرایی سازمان‌ها انجام دهد. حتی فراتر از این، پس از دانش‌آموختگی، دانشجویان را در یافتن کار مناسب یاری و پیگیری وضعیت اشتغال آن‌ها و میزان رضایت کارفرمایان از عملکرد دانش‌آموختگان باشد که می‌تواند اطلاعات ذی‌قیمتی در بازنگری برنامه‌های درسی در اختیار گذارد.

فصل‌نامه خبری ترویجی معاونت آموزشی دانشگاه فردوسی مشهد

سر‌دبیر: دکتر رضا پیش‌قدم

مشاور سر‌دبیر: دکتر محسن نوغانی

صفحه‌آرایی: دکتر حمید مسعودی

آدرس: دانشگاه فردوسی مشهد، مرکز آموزش، یادگیری و سنجش (آیس).

تلفن: ۰۵۱ - ۳۸۸۰۴۲۲۰

آدرس سایت: vpap.um.ac.ir

❖ دانشگاهیان گرامی می‌توانند مطالب تحلیلی خود را جهت درج در فصلنامه به مرکز آیس ارسال نمایند.